تلویزیون

آغاز پیش‌تولید فصل سوم «دورهمی»

پیش‌تولید فصل سوم برنامه تلویزیونی «دورهمی» با اجرای مهران مدیری آغاز شد. به گزارش فارس، سازندگان مجموعه برنامه «دورهمی» پیش‌تولید فصل سوم این برنامه را آغاز کرده‌اند. بنا بر این گزارش، در حال حاضر دکورهای جدید برنامه در محل جدیدی واقع در بلوار ارتش مراحل تولید و ساخت را سپری می‌کند و بناست فاز تولید برنامه به سرعت آغاز شود. همچنین در سری جدید، تماشاگران و مهران مدیری به روال سابق حضور دارند اما هنوز مشخص نیست گروه بازیگران سری قبل در این سری هم حضور داشته باشند یا خیر. برنامه «دورهمی» با اجرای مهران مدیری تا به حال در ۲ سری از شبکه نسیم پخش شده و مخاطبان بسیاری دارد. از نکات قابل توجه در برنامه‌های قبلی تغییر و جابه‌جایی بازیگران بود که با حواشی همراه شد.

■■■

نوجوانان هم صاحب سریال می‌شوند

مدیر شبکه امید از پیش‌تولید یک سریال درباره آزمایش‌های علمی دوران مدرسه خبر داد. به گزارش مهر، مهدی سالم، مدیر شبکه تلویزیونی امید درباره سریال‌هایی که قرار است در این شبکه به تولید برسند، گفت: توضیح جزئیات این آثار را سیمافیلم ارائه می‌کند، با این حال ما ۲ طرح در حال مذاکره و رایزنی داریم. یکی از فیلمنامه‌ها که اتفاق عجیبی در صداوسیماست، داستان عده‌ای نوجوان است که کارهای خارق‌العاده‌ای با آزمایش‌های علمی انجام می‌دهند و این آزمایش‌های علمی کارهایی است که ما پیش از این در مدرسه یاد گرفته‌ایم. مدیر شبکه امید با اشاره به کلیات این فیلمنامه، یادآور شد: این فیلمنامه یک داستان درام و طنز با هم است که می‌تواند خیلی جذاب باشد و بازیگران آن، نوجوانانی هستند که به تازگی کشف استعداد شده‌اند. علی عبدالعلی نیز این پروژه را راهبری می‌کند. سیناپس این مجموعه آماده شده که در ۲۶ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای آماده خواهد شد و اکنون در حال پیش‌تولیداست.

■■■

از تهیه‌کنندگی تلویزیون تا گویندگی خبر

دوره‌های پاییزی مجتمع شهید آوینی به همت مرکز بسیج صداوسیما آغاز شد. به گزارش «وطن‌امروز»، در این ترم کلاس‌های متنوعی از جمله گویندگی و فن بیان، اجرا، گویندگی خبر، دوبله، داستان‌نویسی، فیلمنامه‌نویسی، نویسندگی خلاق، خبرنگاری، خبرنگاری جنگ، سواد رسانه‌ای، مترجمی خبر، تهیه‌کنندگی تلویزیونی و رادیویی، کارگردانی تلویزیونی و رادیویی، مستند سازی، تدوین، تصویربرداری و... برگزار می‌شود. طبق سیاست‌گذاری‌های جدید مرکز بسیج صداوسیما، دوره‌های مجتمع آموزشی و پژوهشی شهید آوینی با رویکرد هنری و مهارتی و همچنین با هدف آموزش هنرجویان توسط بهترین اساتید رسانه ملی جهت حضور اثربخش در عرصه‌های مختلف رسانه‌ای کشور انجام می‌شود. گفتنی است شرکت در تمام دوره‌های آموزشی منوط به حضور در مصاحبه حضوری است. زمان حضور شرکت‌کنندگان برای مصاحبه متعاقبا در کانال مجتمع شهید آوینی به آدرس @Avini_center اطلاع‌رسانی می‌شود. حضور در دوره‌های مجموعه شهید آوینی با هدف استفاده از توان رسانه ملی برای عموم مردم است و هیچ تعهدی جهت به کارگیری هنرجویان در رسانه ملی وجود ندارد.

خبر

کاروان شاعران و نویسندگان ایرانی در پیاده‌روی اربعین

امسال برای نخستین‌بار کاروانی از شاعران و نویسندگان ایرانی، به ابتکار «شهرستان ادب»، راهی پیاده‌روی اربعین می‌شوند تا در این بزرگ‌ترین گردهمایی مذهبی شرکت کنند. به گزارش «وطن‌امروز»، اهالی ادبیات، سفر زیارتی خود را از روز ۱۱ آبان‌ماه آغاز می‌کنند و تا ۱۹ آبان ۱۳۹۶ دوشادوش عاشقان سیدالشهدا پیاده‌روی خواهند کرد. شاعران و نویسندگان، در این سفر، چندین شب شعر و محفل ادبی در شهرهای نجف، کربلا و نیز در موکب‌های واقع در مسیر پیاده‌روی برگزار می‌کنند. این برنامه قرار است در سال‌های آینده نیز ادامه یابد. روایت هنرمندانه این اتفاق عظیم، از جمله اهداف راه‌اندازی کاروان شاعران و نویسندگان است. گفتنی است پیاده‌روی اربعین را بزرگ‌ترین اجتماع اسلامی می‌دانند که سالانه میلیون‌ها نفر در آن شرکت می‌کنند. برخی آن را بزرگ‌ترین گردهمایی مسالمت‌آمیز انسانی نیز لقب داده‌اند.

یادداشتی بر مجموعه غزل «لیلی آذر» سروده اعظم سعادتمند

شاعران دیوانگان آرامند!

مهدیه انتظاریان: «لیلی آذر» سومین مجموعه غزل اعظم سعادتمند است. کتاب را که باز می‌کنی، طعم گس عشق‌های دور به کامت می‌نشیند. شاعر برایت از اندوه انتظار می‌گوید و از حسرت روزهایی که گذشتند. بخواهی یا نخواهی میان صفحه‌های کتاب غمی لطیف را حس می‌کنی که بین شعرها دست به دست می‌شود. اگر چه غم درون‌مایه هنر است اما شاعر اینجا برای بازگویی‌شان از مضامین تازه استفاده کرده است. وقتی می‌خواهد از جدایی بنویسد، به آوردن کلمه نامه بسنده نمی‌کند و پای «قلم نی» را هم وسط می‌کشد:

با قلم نی می‌نویسم نامه‌ام را تا بیایی
تا بدانی من شکایت دارم از دست جدایی

که همراه خود بیت «بشنو از نی چون حکایت می‌کند/ وز جدایی‌ها شکایت می‌کند» را نیز به یاد می‌آورد. برای توصیف دست خالی‌اش از گنجشک‌ها کمک می‌گیرد.

تکه نانی سرد، در میان سفره‌ام دارم
می‌کنم تقسیم، بین گنجشکان غذایم را (ص۲۷)

و در اعتراض به تنهایی‌اش، در و دیوار شهر را به رخ آدم‌ها می‌کشد.

همدمی، هم‌قدمی نیست در این شهر که باید
هرچه درد است برای در و دیوار بگویم (ص ۸۲)

در غزل اول جایی که می‌خواهد از دلتنگی برای روزهای رفته بنویسد فقط بهار را به پاییز نمی‌رساند. از شیرینی لحظه‌های دیدار می‌نویسد و در بیت آخر طعم رب انار را به مخاطب می‌چشاند.

چه مانده است از آن روزهای دار و درخت
به غیر سفره پاییز و طعم رب انار (ص ۱۰)

در میان شعرها ابیاتی هست از بس تازه و دلنشین که آرزو می‌کردم کاش برای من بودند. این طنز تلخ:

در به در عمری صدایش کردم و پاسخ نداد
دارد آیا عشق غیر از عشق نام دیگری؟ (ص۸۷)

یا این تصویرسازی‌ها:

هوا رنگی‌ست وقتی گیسوان باد می‌پیچد
میان روسری‌های بلند ترکمانی‌ها (ص۷۷)
کجاست روشنی آن چراغ بغدادی؟
که می‌رساندم از آن شام بی‌ستاره به یار (ص ۱۰)

برای من استفاده از ترکیب «چراغ بغدادی» بسیار دلچسب بود. عبارتی اصیل و آنقدر قدیمی، که شاید در نگاه اول ناشناخته به نظر برسد. شعرهای لیلی آذر، فضایی که شاعر به صورت معمول با آن سر و کار دارد، مثل آشپزخانه و در کل خانه را بازگو می‌کند:

خسته در فکر شام ساده‌ای‌ام، در هیاهوی آشپزخانه
روی میزی نشسته مانده هنوز، استکان‌های چای صبحانه (ص۱۵)

یا دبستان (از بعضی بیت‌ها بر می‌آید شاعر، معلم‌باشد):

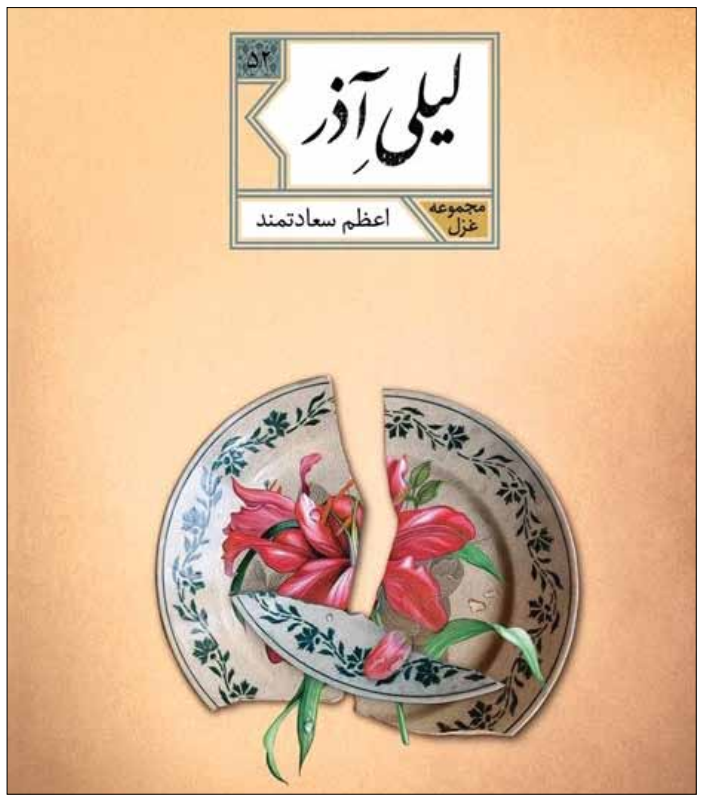

اجازه هست که خانم معلمی تنها
بپرسد از تو چه اندازه دوستش داری؟
برای روح دبستانی‌ام همیشه تویی
مهم‌ترین خبر روزنامه دیواری (ص ۵۶)

اما علاوه بر اینها، می‌بینیم که فضای شعرها تا فراتر از این هم اوج می‌گیرد. او به معماری خانه‌ها بسیار دقت می‌کند.

ای نسخ و ثلث و کوفی بالای ایوان‌ها!
از شیوه‌های مشق نستعلیق شیواتر (ص۶۴)

یا در غزلی دیگر می‌گوید:

به جست‌وجوی حیاطی برای گلدان‌ها
به سویت آمدم از تنگنای دالان‌ها...

به رنگ‌ها توجه ویژه دارد و با تاکید بر شاخصه‌های سنتی، در شعرش از آنها در جای درست استفاده می‌کند؛ طوری که به مخاطب در ساخت تصویر کمک می‌رساند.

می‌کشی روح مرا مانند یک ایوان کاشی
آبی‌ام، سبزم، سپیدم تا تویی نقاش‌باشی (ص ۵۷)
از شیشه‌های زرد و سبز و قرمز و آبی
وقت عبور شاخه‌های نور زیباتر (ص۶۳)

همانطور که در ابتدا اشاره کردم در این مجموعه شعر می‌توان عشق و انتظار را بسیار یافت. از معشوق دل‌آزرده است و اعتراض می‌کند، حتی آنگاه که غمگین است به التماس آلوده نمی‌شود و عجز و لابه نمی‌کند.

خواستم تنها عبادتگاه من باشی ولی افسوس
مسجد جامع! دعا کن گاهگاهی بانی خود را (ص۲۰)
بیا نظاره کن امشب عمارت خود را
چه قرن‌ها که گذشته‌ست و محکم است هنوز (ص۷۲)

اگرچه در فرزانگی عقلی هم‌آوردم نبود
عشق آن چیزی که عمری فکر می‌کردم نبود

یکی از کلماتی که در این کتاب بسیار استفاده شده است کلمه «دیوانه» است. آری! شاعران دیوانگان آرامند. همانطور که یوسفعلی میرشکاک در مقاله «کودک، شاعر، دیوانه» بیان می‌کند؛ همواره مشابهت‌هایی بین یک کودک، یک شاعر و یک دیوانه می‌توان یافت.

«زنی دیوانه» بسیاری از ترکیبات کتاب را نصیب خودش کرده است:

آه حق داری مرا دیگر نخواهی مرد شهری!
من کی‌ام جز یک زن دیوانه‌وضع روستایی (ص۳۰)
گفته بودند مرد! عاقل باش، فارغ از هر چه خواهش دل باش
گفته بودند مردم شهرم این زن، این زن، زنی‌ست دیوانه (ص۱۵)

از ویژگی‌های کتاب لیلی آذر، استفاده از کلماتی است که کمتر در شعر کلاسیک به کار می‌رود. در بخش‌هایی استفاده از این کلمات، شعر را جذاب‌تر کرده است و البته نشان از جسارت شاعر دارد. مانند ترکیب «تعطیلات تابستانی» در غزل ششم این مجموعه یا «شهری اروپایی» در غزل هشتم آن یا در اینجا استفاده از «صندوق پست»:

در جیب‌هایت مثل یک صندوق پست قدیمی
هر روز پیدا می‌شود یک نامه عاشقانه (ص۷۶)

شاعر در این کتاب از قافیه‌هایی تازه استفاده کرده که با جسارتی مثال‌زدنی در شعرهایی بدون ردیف به کار گرفته شده است. غزل آخر با مطلع:

بنویس در این وادی دور از وطن از وی
با جوهر فیروزه‌ای و سوز قلم نی

از قوافی تازه‌ای برخوردار است که در نهایت غزل زیبایی را هم شکل داده است. یا غزل ۲۱:

موهای‌مان سفید شد اما چرا هنوز
چیزی نداده‌ایم از احساس‌مان بروز؟

که باز هم قافیه‌هایی مثل گردسوز، تموز، روز و... ابیات تازه‌ای را سبب شده‌اند. اگرچه غزلی که پشت کتاب آمده با آنکه قافیه‌های قدری دارد، نظیر چیزی، عزیزی، نفت‌خیزی و... اما در برخی بیت‌ها زیبا نیست، بویژه بیت آخرش که شعر را شاید کمی از حال و هوای شاعرانگی بیرون رانده است:

دیگر نیا از جنگلی که عاشقت بود
چیزی نمی‌بینی به جز دود غلیظی

شاعر از تلمیحات تاریخی بسیار استفاده کرده است:

دوباره آمدی و روم در جنون نرون می‌سوخت
دوباره آمدی و شرق در هجوم تموچین بود (ص۸۰)

که اشاره دارد به دیوانگی نرون و به آتش کشیدن سرزمینش روم... و حمله چنگیز مغول (تموچین) به شرق آسیا. یا جایی دیگر دست و دلبازی و بخشش کریم‌خان را دستمایه شعرش قرار می‌دهد:

کریمخان تویی و من رعیتی ناچیز
که هرچه از تو بخواهد دلم، کم است هنوز (ص ۷۱)
امیرا! این همه در عهد ما کبیر نباش
بترس از طمع قهوه‌های قاجاری (ص۵۵)

امضای اعظم سعادتمند پای همه شعرهایش وجود دارد. اشاره‌های پی در پی به عناصر سنتی و ملی، حضور پررنگ تاریخ در ابیاتش و بی‌پروایی در استفاده از مضامین بسیار تازه و بکر شناسه‌های شعری او را تشکیل می‌دهد. خلاصه کلام اینکه «لیلی آذر» کتاب خوبی است با شعرهایی که باید در آرامش خواند تا این دایره واژگان وسیع و تصاویر و مفاهیم متنوع، مخاطب را علاوه بر واداشتن به تحسین، به کشف هم برساند و در آخر می‌نویسم: نقدها استکان‌های کوچکند. برای آنکه مست شوید کتاب‌ها را بنوشید.

نقد

نگاهی به فیلم سینمایی «ایتالیا ایتالیا»

سرخوشی مهلک

حسین ساعی‌منش: شاید نخستین نکته‌ای که در «ایتالیا ایتالیا»، به عنوان یک فیلم اول، بیشتر از هر چیز به چشم می‌آید، کارگردان پرانرژی‌ای است که حضورش پشت دوربین حس می‌شود و این شور و انرژی را به اغلب لحظات فیلمش (صرفا منظور لحظات ابتدایی فیلم نیست و این مساله را می‌توان در اجرای لحظات غمناک فیلم هم دید) تزریق می‌کند. در کنار آن، عواملی هم که او را همراهی کرده‌اند، از بازیگران نقش‌های اصلی گرفته تا تدوین و فیلمبرداری، این لحن سرزنده فیلم را بخوبی دریافته و در انتقال آن به مخاطب تلاش قابل توجهی کرده‌اند. خب! تا اینجا را می‌شود حسن فیلم به حساب آورد و این هماهنگی را تحسین کرد اما مساله‌ای هست که مانع تبدیل شدن این هماهنگی، به یک فیلم یکدست و منسجم می‌شود: مشکل اینجاست که این سرزندگی در اجرا، به قدری جدی گرفته می‌شود که به موضوع اصلی تبدیل می‌شود و فیلم را به کلیپی از نریشن‌ها و آرزوها و خیالات مرد قصه نزدیک می‌کند. این مساله البته به خودی خود ایرادی ندارد و می‌تواند بخشی از تصمیم فیلمساز برای سر و شکل دادن به فیلمش باشد اما ایراد اینجاست که توجه بیش از حد به این مقوله و انتخاب این ریتم تند کلیپوار برای فیلم، به همان دوران آشنایی مرد و زن ماجرا و تبادل احساسات اولیه آنها محدود نمی‌شود. یعنی وقتی قصه، روی کاغذ وارد فاز جدیدی می‌شود و قرار است با موقعیت تاثیرگذاری مواجه شویم (به دنیا آمدن بچه مرده زن و شوهر فیلم) که حکم پلی را دارد که آن لحظات شاداب اولیه را به لحظات تلخ و سرد بعدی وصل می‌کند، فیلم با همان لحن سرخوش و ریتم سریع از روی این موقعیت کلیدی می‌گذرد و بدون اینکه به مخاطب اجازه بدهد که عمق این مصیبت را درک کند و با زن یا مرد همدردی خاصی داشته باشد، او را وسط رابطه‌ای می‌اندازد که حالا کاملا سرد شده و هیچ رنگی از آن شور و حرارت ابتدای فیلم ندارد (خب، این هم متناسب با یک فیلم کمدی نیست). به این ترتیب، مهم‌ترین کلید درک سیری که شخصیت‌ها طی می‌کنند، از دست می‌رود. کسانی که یک مسیر نیم‌ساعته را ۳ ساعت کش می‌دادند و حرف می‌زدند و خسته نمی‌شدند، حالا ناگهان به جایی رسیده‌اند که عدم درک متقابل‌شان از یک جمله ساده درباره شام به دعوا و مرافعه مفصلی ختم می‌شود و مخاطب در این تغییر رفتار، سردرگم است و نمی‌داند چرا فضا این‌قدر متفاوت شده. به خاطر اینکه فیلم، عملا از روی «علت» این سیر نزولی رابطه، پریده و نه‌تنها هیچ وقتی صرف جدی نشان دادن آن نکرده، بلکه با همجوار کردن این لحظات با صحنه‌های شوخ بعدی مثل توهم خیانت و آن سکانس اسلحه کشیدن در رستوران (که به طور مستقل از بهترین صحنه‌های فیلم است)، ماجرای بچه مرده را تا حد یک بدبیاری تلخ طنزآمیز تقلیل داده! البته می‌شود حدس زد که این عدم تاکید بر ماجرای مرگ فرزند و نپرداختن به شرایط روحی مادر و پدرش، آگاهانه و بیشتر به این منظور بوده که در پایان، دوباره به این مساله و جزئیات ناگفته‌اش رجوع شود تا پایان‌بندی فیلم و تصمیم مجدد این زوج، شکلی تقریبا غافلگیرکننده به خود بگیرد اما در نهایت باید دید که این پایان‌بندی به چه بهایی به دست آمده است.

***

در پایان فیلم، برفا از همسرش می‌پرسد که ما چرا این‌جوری شدیم؟ خب! این دقیقا سوال ما هم هست! با این تفاوت که آن دو نفر از شرایط خودشان آگاهند ولی ما نزدیک به یک ساعت است که با این سوال مواجهیم و جوابی برایش نداریم و اگر متوجه آن دلیل هم شدیم، آن را صرفا «فهمیده»ایم نه اینکه در این مدت همراه با کاراکترها آن دلیل را «لمس» کنیم. زمانی نزدیک به یک ساعت، به هیچ وجه وقت کمی نیست برای اینکه از شخصیت‌ها فاصله بگیریم و دیگر درک‌شان نکنیم، برای اینکه از فضای فیلم بیرون بیفتیم و برای اینکه لحن فیلم را به جای جذاب و شوخ‌طبع بودن، شلخته و عجیب بدانیم. بله! البته که در نهایت به آن پایان‌بندی مد نظر فیلمساز می‌رسیم ولی شاید دیر شده باشد و جمله «من حتی دیگه نمی‌تونم بهت دست بزنم» هم درد خاصی را دوا نکند.

مستند

مستند «راه‌دل» در حوزه هنری رونمایی شد

مستندی ساده اما دلنشین

مراسم رونمایی از مستند «راه‌دل» و بدرقه مسافران پیاده‌روی اربعین حسینی در حوزه هنری برگزار شد. به گزارش فارس، در این مراسم جمعی از راهپیمایان اربعین، اهالی رسانه، شعرای جوان شعر آیینی و کارگردان اثر حضور داشتند. در این برنامه میلاد عرفان‌پور، شاعر جوان کشورمان پس از شعر خوانی برای حضار، در ابتدای صحبت‌های خود از ارادتش به خاندان اهل‌بیت گفته و اشاره کرد راهپیمایی اربعین سعادتی است که نصیب هرکسی نمی‌شود و فقط اهل دل می‌توانند در این آیین شرکت داشته باشند. پس از آن سیدمحمد حسینی، مجری برنامه به معرفی مستند «راه‌دل» پرداخته و گفت: مستند «راه‌دل» مستندی شبیه به سایر آثاری که دیده‌اید نیست. این مستند بسیار دلی و لطیف است و در آن از پیچیدگی‌های فرمی خبری نیست و ساختار ساده و در عین حال دلنشینی دارد. این مستند روایت سفر فردی به نام «مشتی اسماعیل» به کربلاست. «مشتی اسماعیل» نابیناست و بدور از شعار می‌گویم که او روشندل است و ضمیری بسیار روشن دارد که نیازی به چشم سر ندارد. همچنین مهدی زمان‌پور، کارگردان این مستند نیز در سخنانی اظهار کرد: خیلی خوشحالم در جمع شما عزیزان هستم. امیدوارم مستند «راه‌دل» که بسیار دلی ساخته شده به دل شما عزیزان بنشیند و مخاطبان بسیاری جذب کند. از همه عزیزانی که من را در مسیر تولید این فیلم کمک کردند سپاسگزارم و امیدوارم همه شما فیلم را دوست داشته باشید. تجلیل از عوامل این اثر بخش دیگر این مراسم بود. مستند «راه‌دل» از محصولات «مرکز مستند سوره» حوزه هنری است. این فیلم آخرین اثر مهدی زمان‌پور کیاسری، برنده سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی جشنواره فیلم فجر بوده که روایتی جذاب از سفر اربعین «مشتی اسماعیل» پیرمرد نابینای شمالی است که پیش از این او را در مستند موفق «مشتی اسماعیل» دیده بودیم. زمانپور در این مستند علاوه بر به تصویر کشیدن حال و هوای پیاده‌روی نجف تا کربلای اربعین حسینی، از ظرافت‌های روحی و معنوی مشتی اسماعیل و شوخ‌طبعی‌های همیشگی او می‌گوید.

سینما

زمان اکران «فهرست مقدس» بالاخره مشخص شد

کارگردان انیمیشن «فهرست مقدس» اعلام کرد این فیلم از ۱۷ ربیع‌الاول در سینماهای کشور اکران می‌شود. به گزارش مهر، محمدامین همدانی، نویسنده و کارگردان فیلم سینمایی «فهرست مقدس» پس از اشاره به زمان نمایش عمومی این اثر با گلایه از برخی بی‌مهری‌های صورت گرفته نسبت به آن اظهار کرد: ما دلخوری کهنه‌ای از مسؤولانی داشتیم که قرار بود به این انیمیشن پروانه نمایش بدهند و نام «فهرست مقدس» را نمی‌پذیرفتند و این اتفاق در حالی رخ داد که این فیلم در جشنواره ملی فیلم فجر با همین عنوان جایزه گرفته است. به گفته وی، بخش زیادی از پروسه مشخص شدن زمان اکران به همین دلیل بود. همدانی در پایان گفت: خدا را شکر با رایزنی‌هایی که انجام شد و به دلیل پی بردن به اهمیت پروژه و صنعت سینما و انیمیشن کشور موافقت‌ها انجام شد و قرار شد این فیلم به اکران برسد که فکر می‌کنم دوستان ما در «اوج» کودک و نوجوان تدارکات و اتفاقات ویژه‌ای را هم برای اکران این انیمیشن در نظر گرفته‌اند.

■■■

پردیس ملت میزبان اهالی رسانه در فجر

پردیس سینمایی ملت میزبان اهالی رسانه در سی‌وششمین جشنواره ملی فیلم فجر خواهد بود. به گزارش تسنیم، بنابر اطلاعیه روابط عمومی سی‌وششمین جشنواره ملی فیلم فجر، بعد از تاکید دبیر جشنواره جهت حرفه‌ای‌تر شدن فضای رسانه‌ها و خروج از برج میلاد که طی ۸ دوره اخیر میزبان اهالی رسانه در کنار هنرمندان و مدیران بوده است، گزینه‌های موجود بر اساس مجموع ظرفیت سالن‌ها، امکان استقرار شبکه‌های رادیویی، تلویزیونی و اینترنتی و ارائه سرویس مناسب به آنها، دسترسی به مجموعه و سالن‌های نمایش، بهره‌گیری از اینترنت و اختصاص فضایی جهت پذیرایی و پارکینگ مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت، پردیس سینمایی ملت به عنوان میزبان اهالی رسانه در این دوره از جشنواره توسط شورای سیاست‌گذاری انتخاب شد.

کتاب

«مژده گل» به چاپ دوم رسید

کتاب «مژده گل» نوشته مجید ملامحمدی، توسط انتشارات کتاب جمکران به چاپ دوم رسید. به گزارش مهر، کتاب «مژده گل» نوشته مجید ملامحمدی با محوریت شخصیت چهارده معصوم بتازگی توسط انتشارات کتاب جمکران به چاپ دوم رسیده است. این کتاب دربرگیرنده داستان‌هایی از زندگی و منش امام زمان(عج) است که چاپ اولش همزمان با سی‌امین نمایشگاه کتاب تهران منتشر شد. ملامحمدی به همراه محمود پوروهاب دیگر نویسنده کودک و نوجوان، کتاب‌های مجموعه داستان‌های چهارده معصوم را نوشته‌اند که توسط این ناشر منتشر شده است. کوثر رضایی، لادن هندی، فرشته فرمند، مرضیه قوام‌زاده، زهره پرهیزگاری و حامد زاهد و محسن میرزایی تصویرسازی این مجموعه را بر عهده داشته‌اند. چاپ دوم این کتاب بتازگی توسط این ناشر راهی بازار نشر شده است.

تئاتر

بودجه جشنواره تئاتر فجر چقدر است؟

مدیرکل مرکز هنرهای نمایشی میزان بودجه سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر را ۴ میلیارد تومان اعلام کرد. به گزارش ایلنا، مهدی شفیعی با اعلام این خبر اظهار کرد: این رقم بودجه نسبت به سال گذشته تغییری نکرده است. این در حالی است که سال گذشته سیدرضا صالحی‌امیری گفته بود بودجه جشنواره تئاتر فجر در دوره سی‌وششم ۲ برابر می‌شود. مدیرکل مرکز هنرهای نمایشی خاطرنشان کرد: فجر هیچ وقت محدودیتی به لحاظ بودجه نداشته است. هرچند جشنواره تئاتر فجر و کلا جشنواره‌های تئاتر از آن رویدادهایی است که به لحاظ فرآیند برگزاری هزینه‌بر است، با توجه به اینکه وقتی در جشنواره تئاتر می‌خواهد اثری اجرا شود باید تمام فرآیند تولید در جشنواره رخ دهد و همه بازیگران و عوامل در جشنواره حضور داشته باشند و دکور و لباس همه چیز سر جای خودش باشد و با اجرای زنده مواجهید و به نوعی همه عوامل تولیدکننده باید در جشنواره حضور داشته باشند بنابراین هزینه‌هایش نسبت به جشنواره‌های دیگر قاعدتا بیشتر است و فرآیندش این را تعریف کرده است.